پیشنهاد کتاب برای نوروز

تئوری پردازی برای ایران

سجاد صداقت

هر سال کتاب‌های فراوانی در حوزه علم سیاست در ایران منتشر و روانه بازار کتاب می‌شود. آثاری که هریک در حوزه جایگاه خاصی در میان آثار مهم این سال داشته باشد، اما شاید بتوان یکی از آثار اخیرا همیت منتشرشده در سال ۹۷ را کتاب «الزامات سیاست در عصر ملت - دولت» دانست. کتابی نوشته احمد زیدابادی. دانش آموخته علم سیاست و یکی از چهره‌های شاخص در عرصه روزنامه‌نگاری در ایران. زیدابادی که در سال‌های اخیر دو جلد از خاطرات خود را منتشر کرده بود، در این میان دست در کار انتشار اثری شد که به نظر می‌تواند یکی از مهم‌ترین آثار سال ۹۷ باشد. هر چند این کتاب به گفته نویسنده آن «چکیده‌ای از محتوای کاری به نسبت گسترده» است که قرار است زیدابادی در آینده آن را منتشر کند اما همین کتاب ۱۱۶ صفحه‌ای به دلیل مطرح کردن مسائلی که دقیقا اهمیت اساسی برای امروز ایران دارد، بسیار مهم است. فارغ از اینکه نگاه زیدابادی در این کتاب را بپذیریم یا با آن مخالف باشیم، نویسنده «الزامات سیاست در عصر ملت - دولت» به بیان موضوعی می‌پردازد که می‌تواند به عنوان یک تئوری مورد مطالعه قرار گیرد. زیدابادی در این کتاب دغدغه‌ای را مطرح می‌کند که می‌تواند نگاهی متفاوت برای ایران امروز باشد. نویسنده حرف اصلی متن خود را بر پایه زندگی امروز انسان‌ها در عصر ملت - دولت یا واحدهای ملی قرار می‌دهد و در تلاش است «صورت معقول و عادلانه نظام ملت - دولت و حقوق ناشی از آن را روشن و تمایزش با گونه‌های نزاد گرایانه و وبرانگر آن در کنار نقد ایدئولوژی‌های مروج اتوپیای جهان وطنی که به گشتن‌های دور یا اینده‌ای به کلی خارج از دسترس بشر امروز چشم دوخته‌اند» را بررسی کند. توضیح اجمالی درباره «ظهور و تطور ملت - دولت در اروپا» و چگونگی شکل گیری عصر ملت - دولت در یک فرایند تاریخی در اروپا بخش اول این کتاب را تشکیل می‌دهد و در بخش دوم و اصلی کتاب، زیدابادی به بحث درباره «ایران و روند ملت - دولت» می‌پردازد و در آن تلاش می‌کند با یک بررسی تاریخی از صفویه تا جمهوری اسلامی فقدان الزامات ملت - دولت در دوره‌های مختلف تاریخی در ایران را مطرح کند. نویسنده تاکید دارد که تساهل مذهبی، حقوق برابر برای تمام اتباع در همه زمینه‌ها در مقام شهروند، وفاداری به میهن و تعقیب منافع ملی در قلمرو خارجی در پرتو همزیستی و روابط مسالمت‌آمیز با دیگر کشورها، مقتضیات عصر ملت - دولت است. سنجش این مقتضیات با شرایط تاریخی ایران و نظرگاه روشنفکرانی که در این سال‌ها در ساحت ایران و ایرانی اندیشه کرده‌اند، بخش دیگری از طرح‌واره زیدابادی را تشکیل می‌دهد. «خاورمیانه و ایران به وستفالیای جدید»، «اسرائیل و معضل ملت - دولت»، «سیاست و اخلاق در نظام ملت - دولت» و «منافع ملی و اخلاق» عنوان بخش‌های دیگر کتاب است که در آن مسائل دیگری درباره الزامات سیاست در عصر ملت - دولت مطرح می‌شود. کتاب «الزامات سیاست در عصر ملت - دولت» در ۱۱۶ صفحه و با قیمت ۱۴ هزار تومان از سوی نشر نی منتشر شده است.

همه پدرما ها

نیلوفر صادقی

در علم ادبیات، پدران آرمانی و تاثیرگذار و بالقوه، بسیاری از قماش ژان والژان معروف یا مثلا آیکوس فینچ در «کشتن مرغ مینا» نوشته هاربر لی و جلوتر که بیاییم پدر بی‌نام در «جاده» اثر کورمک مک کارثی، جایگاه ویژه‌ای دارند و مایه فخر بشرند و می‌توان پدری از آنها آموخت. پدرهای عجیب و غریب و پیچیده و مشکل‌ساز هم اما کمتر نمانده‌اند و شانه به شانه همتایان ارمانی‌شان حضور دارند و برخی خوانندگان می‌کنند و چه بسا به‌اندماننی تر و با نظر خیلی دقیق‌تر هستند. از سن و سال دار تا هاس هاردی، مایکل همینگز «شهردار کستربریج» را آفریده و ویلیام فاکنر ابسر اسبوز را. از وحشتناک‌ترین‌ها هم که جک تورنس رمان «درخشان» استیون کینگ است.

اندره شولان سرزمین شالاندون از تاروها درهای گود پدران ایستاده است. پسر و همسرش را در ۲۳ آوریل ۲۰۱۱ به خاک یا دقیق‌ترش، به کوره جسدسوزی سپرده‌اند؛ البته شالاندون هر زمان که از جنگ و هیولاهای آن (قصاب لیون و...) می‌نویسد یا از زنان و مردانی می‌گوید که انسانیت‌شان را به خیق نابخشد، ما را کمیک تجربه تاب نوشتن به مثابه سفر به جهنم -آن طور که خود در مصاحباهای گفته- می‌کند اما همچنین به مثابه شولان در جنگ «شل پدر» و او را به پلاتاری می‌نشاند. سکان روایت «شل پدر» در دست امیل شولان است؛ پسر ۳۲ ساله آنده. امیل پس از ترجمه ما را به ۴۰ سال پیش برمی‌گرداند تا چشم‌ها در ۱۲ سالگی جهنم کودکی‌اش را دوره کنیم. امیل جنان با خشم پدر و خشونت گاه و بی‌گاه او اشناست که از خلال قدم‌های او منتظر انفجار خشمش است - ما هم رهم شریک انتظار او است. با پدری طرفیم که دیوار دیوار اوست و دیوار، جاروی او. اما دانستن به نوشتن خانگی خنم نمی‌شود. پاراتوپا و اختلال عصبی و توهمه و جنون، ارتش سری و مامورت مخفی و جاسوس‌های خیالی سرمایه آنده است. آنده شکنجه‌گرم قلعه‌پرداری که مدعی است رسانه ارسال زنال دوگل بوده و با کمک سرمایه‌داش تالار نمایشی آفریده برای پسر و همسرش و چند اشنای ساده‌لوح که باورش کنند. پایان داستان باشکوه است. مادر موفق می‌شود شوهرش را از بادرها بزاید، امیل نیز از تاخیر ایستان آنده دچار شده و در می‌رود. ما هم از آن جهنم نجات می‌یابیم. با امیل شولان نقاش و ترمیم‌گر که پسرش فرشته نجات او است و شالاندون که نور در پس نگاهش هست، می‌شود به زندگی برگشت. «شعل پدر» را مهستی بحرینی به فارسی برگردانده و نشر نیلوفر آن را منتشر کرده است.

پنجره‌ای به سوی بخش‌های پنهان زندگی پزشکان

مژده الفت

چاره‌ای نیست؛ باید بپذیریم که هرچه می‌گذرد فاصله پزشک و بیمار بیشتر و همدلی‌شان کمتر می‌شود. بیماران از بی‌توجهی پزشکان به درد و درمان‌شان گلهمندند و پزشکان از ناسپاسی و توقع بیش از حد بیماران لا بد هر دو گروه به فضای خشک و بی‌روح حاکم بر روابط‌شان واقفند. اگر بتوان امید داشت در چنین اوضاعی ادبیات می‌تواند پلی باشد بین این دو گروه که گویی در دو سوی دره‌ای ایستاده‌اند و صدای همدیگر را نمی‌شنوند، شاید خواندن خاطره‌های یک پزشک باتجربه و آشنایی با وجوهی از روابط بین پزشک و بیمار، گامی باشد به سوی درک و همدلی.

کتاب «نیمه پنهان پزشک» پنجره‌ای می‌گشاید به سوی بخش‌های پنهان زندگی پزشکان. راوی این کتاب دکتر آفری است؛ پزشک آمریکایی که سال‌ها در بیمارستان دولتی نیویورک کار کرده و با بیماران مهاجر و بومی بسیاری مواجه بوده است. در بخشی از روایت شاهد درد و رنج پزشکی هستیم که با تصمیمی اشتباه بیمارش را از دست داده و احساس گناه می‌کند. «بخش مشکل کار قبول کردن مسوولیت نبود. قبلا این کار را کرده بودم. پس از آن واقعه، هفته‌ها مزمزم را به خاطر بی‌کفایتی‌اش مجازات و خودم را به خاطر حماقتم سرزنش می‌کردم.» در جای دیگر پزشکی را می‌بینیم که صرفا به دلیل رفتار بیمارش توان همدلی با او را ندارد: «موفق نشدم با او همدلی کنم؛ نه‌تنها چون عصبانی بودم، بلکه به این علت که نظرم متوقع می‌آمد. طبعا احساس می‌کرد می‌تواند وارد معلب شود و هرچه می‌خواهد تقاضا کند. آن لحظه به نظرم فردی از خودراضی و بی‌فکر بود.» - از روز همدلی من به واسطه احساساتی که میان من و بیمار شکل گرفت قلع شد و نمی‌توانستم آنچه بر این پوسته وجود داشت، بررسی کنم.»

نویسنده در فصل «سهم» روزانه پزشک از مرگ» که یکی از بهترین بخش‌های کتاب است، نشان می‌دهد که رویارویی معلوم پزشکان با مرگ چه تاثیر ناگواری بر زندگی شخصی و رفتارشان با بیماران می‌گذارد. «سوگ و اندوه فراگیر بود. حتی زمانی که پزشکان بعد از کار به منزل می‌رفتند به لباس‌های آنها چسبیده بود و از زیر در اتاق بیماران به اتاق دیگر بیماران می‌خزید. سوگ تاثیری عمیق در این پزشکان داشت، در زندگی شخصی آنها هم نفوذ می‌کرد و تنها را کهمی‌کرد.» کتاب «نیمه پنهان پزشک» نوشته دکتر دنیل آفری را افروز معتمد ترجمه و قطره آن را منتشر کرده است. این کتاب برای پزشکان و بیماران نوشته شده؛ یعنی برای همه!

سمیره‌ها را از دست ندهید

ابوالفضل آقایی پور

«منغیر منصور» مجموعه داستانی به قلم یعقوب یادعلی و منتشل از شش داستان است که هر یک فرم و زبان و مضامین بهرفردی دارد؛ داستان‌هایی که با وجود این تفاوت‌ها، به واسطه زمینه ظریفی از اشتراک مضمون - که وجود خلنی همیشگی در پیشینه شخصیت‌های همه داستان‌های مجموعه است - نهایتا یک کل منجسم و مجموعه داستانی یکپارچه می‌سازند. به نظر می‌رسد که ایسن هماهنگی و درهم‌تنیدگی در داستان‌های «میمت»، «منغیر منصور» و «سمیره‌ها» نمود بیشتری پیدا می‌کند. یادعلی در داستان «میمت» با نظر اجرایی ساختاری به برای داستان‌ها و ایجاد لحنی طنزآلود، جهانی را تصویر می‌کند که همه چیز به شکلی تلخ و تناقض‌آمیز در حال استحاله است. انتخاب این ساختار از همان ابتدا قلاب را در ذهن خواننده می‌اندازد، او را به دنبال خود می‌کشد و حرف نوینده را در دره به دهن و رج او منتقل می‌کند.

«منغیر منصور» از آن داستان‌هایی است که باید بعد از اتمام و مواجهه با پایان غافلگیر کننده، آن را بخوانید و چندباره از اخر. در خوانش‌های بعدی است که دلیل کارها و رفتارهای شخصیت اصلی و انتخاب هوشمندانه زبان راوی اول‌شخص داستان را سوی نویسنده برای مخاطب روشن می‌شود و ابعاد جدیدی از داستان مجال بروز پیدا می‌کند.

«سمیره‌ها» داستان درخشان و شگفتی است که «عروسک چینی من» هوشنگ گلشیری را در ذهن تداعی می‌کند. این داستان جهان مصنوعه‌ای خودش را دارد؛ جهانی عمیق، غریب و پر از ریزه‌کاری‌های دقیق و ایده‌های بدیعی که با اجرایی خلاق و پخته ساخته شده و یادعلی به‌خوبی از پس خلق آن برآمده است. داستان از زاویه دید کودکی روایت می‌شود که پدرادرش در جنگ دو دست خود را از دست داده است؛ او به همراه عروسک خود - که شخصیتی کاملا پرداخته شده است - به بازسازی جای پدر گرتها می‌پردازد؛ به‌طوری که بخش عمده داستان به این مسأله اختصاص پیدا کرده و به این ترتیب خوانده، آگاه به جهان دیگر شخصیت‌های داستان را به پیدا می‌کند. در پس این بازسازی - که بازیابی کودکانه و لحنی خوشنود روایت می‌شود - عینی برگ نهفته است که به این جهان بعد و عمق می‌دهد و خواه‌ناخواه خواننده را تحت تاثیر قرار می‌دهد.

مجموعه داستان «منغیر منصور» از آن کتاب‌هایی است که باید خواند، دست‌کم برای از دست ندادن این سه داستان؛ برای از دست ندادن سمیره‌ها.

گفت‌وگو با شلومو زند، نویسنده کتاب «اختراع قوم یهود»

افسانه تبعید اجباری یهودیان

ترجمه بهار سرلک

شاید بتوان گفت کتاب «اختراع قوم یهود» دستاوردی تاریخی به شمار می‌رود که نویسنده‌اش شکل دیگری از تاریخ یهودیت را شرح می‌دهد. شلومو زند، مورخ یهودی این افسانه را که روم‌ها در قرن اول میلادی یهودیان را مجبور به خروج از سرزمین‌شان کرده‌اند، واکاوی می‌کند و مدعی می‌شود تبعید یهودیان اتفاقی نبوده است، یعنی کسانی که در خاورمیانه تا اروپای شرقی پراکنده شدند، بازمی‌گردند.

زند در این کتاب سنت‌شکن که پس از انتشار در سال ۲۰۰۹ آن نزدیک به ۱۰۰هزار نسخه فروش بوده‌ترین کتاب‌ها بود، بنیان‌های عقلانی‌ای را برای داشتن دیدگاهی تازه به اندیشه اسرائیل بنا می‌کند.

این کتاب در ایران با نزدیک به احمد حقیقی‌زاده و سوی نشر نو منتشر شده است. در مقدمه این کتاب می‌خوانیم: «این شاهکار تاریخی روایتی از تاریخ یهود و اسرائیل به دست می‌دهد. شلومو زند با کشیدن خط بطلان بر افسانه تبعید اجباری یهودیان در قرن اول به دست رومیان چنین استدلال می‌کند که بیشتر یهودیان امروز فرزندان نوکیشان هستند که زاده‌گاهشان در سراسر خاورمیانه و اروپای شرقی پراکنده بود. زلزله بی‌سرودهای از کیان ایمان تاریخی به پیوند یهودیت و اسرائیل می‌لرزاند.»

زند در آوریل ۲۰۱۲ دنباله این کتاب را با عنوان «چگونه سرزمین اسرائیل اختراع شد» منتشر کرد. او در این اثر سرزمین مقدس را آمیزه‌ای از جدی نبود و بنابراین تصمیم گرفتم پاسخش را بدهم. خواندن این نوع کتاب‌هایی همه مردم ایران نیست. این رامی‌دانم به آنها احترام می‌گذارم اما این حقیقت که مردم نمی‌خواهند بپذیرند افکار من در مورد گذشته و حال صحیح است، برایم ارزشی ندارد. این مطالعات را وقتی تصمیم گرفتم، پاسخ‌مهیونیسم بسیاری من را به بادانتقاد گرفته بودند. مثالش هم سایمن شامای شماس‌ها نیست کتاب را با انتقادهای فراوانی شروع کرد. در نشریه «فایننشال تایمز» مقاله‌ای منتشر شده بود و مراتمیقم کرده بود به اینکه می‌خواهم رابطه میان یهودیت و سرزمین اسرائیل را قطع کنم. هدفم در کتاب این نبود. بارها و بارها از تاریخ یهود را خواندم تا ببینم در من‌هایی که در مدرسه یاد گرفته‌ام درست هستند که در همین حین نکته‌های باورنکردنی را به عنوان یک موخ کشف کردم. دهسال بالاخانه کشف کردم که نخستین مهیونیست‌ها یهودیان نبودند؛ آنها احیاد بریتانیایی‌ها بودند.

■ **در مباحثه‌های اسرائیلی نخستین صهیونیست‌های بریتانیایی پذیرفته شده‌اند؟**

نه من نخستین فردی نبودم که این موضوع را کشف کردم. مورخ‌ها به این موضوع اشاره کرده‌اند البته در پانویس‌ها. گزارهایی در رویه‌های بسیار تخصصی وجود داشت. اما دانشجویی که از تاریخ آریوا و هولوکاست می‌خواند، نمی‌تواند این چیزها را کشف کند.

■ **استقبال از ترجمه انگلیسی کتاب اول تان در بریتانیا و امریکا چطور بوده است؟**

در بریتانیا خیلی خوب بود. در امریکا کمتر. در سال اول انتشار در فرانسه ۵۰هزار نسخه فروش رفت. در همان زمان ترجمه زبان انگلیسی کتاب ۲۵هزار نسخه فروش کرد.

■ **رسانه‌های اصلی چه نوع رویکردی نشان دادند؟**

بریتانیایی‌ها اسکاتلاند کردند: روزنامه «Jewish Chronicle» به بهترین شکل ممکن صفحات‌شان را در اختیار من قرار دادند و مقاله‌هایی هوشمندانه و متفکرانه نوشتند. فاغلگیر شده بودم جامعه یهودیان در بریتانیا میانه‌رو تر از جامعه فرانسوی است. درست است که سایمن شامادر روزنامه «فایننشال تایمز» سعی کرد تکلیم را اشغال جلوه بدهد اما در مجموع بریتانیایی‌ها با آغوش بازاین کتاب را پذیرفتند.

■ **نگرش سایمن شاما و فایننشال تایمز به کتاب تان افتضاح بود. شاما فردی مهم و موثر است. او هم خودش است که رسانه شخصی خود در سطح جهانی» را دارد و هم پژوهشگری جدی است. همچنین در روزنامه فایننشال تایمز تا مز سمتی دارد و فضایی به او داده شد تا تلاشی ظاهرا جدی برای تباه کردن کتاب تان راه بیندازد. از طرفی به شما جازه جوابیه یک یا اگر الفی دادند. که شما هم آن را رد کردید. این موضوع در خور توجه است اما مقیاسی هم برای نشر اضطرابی که در مقامات بالا ایجاد کردید، به دست می‌دهد. متوجه هستم چرا این روزنامه جوابیه‌تان را نمی‌خواست. شما بسیاری از گاف‌های شاما را برملا کردید.**

اخیر، با وجود اقدامات این روزنامه، استقبال بریتانیایی‌ها بد نبود. حتی در امریکا نیز برای مثال روزنامه نیویورک تایمز به من نتاخت. در آخر آنها یک بیولوژیست با یک نسل شناس را آوردند تا با گوید بیوند. دی‌ان‌ای به نام «دی‌ان‌ای یهودیت» وجود دارد، پیوندی ژنتیکی که به فلسطین باستان بازمی‌گردد! این حرف‌ها اسکاتلاندی‌شان، پیامشان برای زنده نگهداشتن قوم یهود است! حتی منتقدان فرانسوی کتاب هم اینس کار را نکردند. اما در دنیای انگلوساکسون، خیلی وحشتناک است که سراغ ژنتیک‌ها بروید و بکوشید وجود قوم یهود را اثبات کنید. امامی‌دانید چوی که حول جامعه حافاناند به یهودیدر فرانسه را گرفته، خوفناک است. مردم می‌ترسند. در فرانسه لابدا روزنامه‌نگارها از نوشتن درباره این کتاب می‌ترسیدند. هرچند، بعدا از جنگ غزه بسیاری از دیوارها برچیده شد. و مردم کم‌کم نوشتن درباره این کتاب را شروع کردند. و حالا هم نسخه جیبی کتاب در دسترس است و دوباره در جدول پرفروش‌ها قرار دارد. در سال ۲۰۰۹ نسخه رقمی کتاب از پرفروش‌ترین کتاب‌های تاریخ بود. اما دست کم نگیرید که حال رهوای جاری خاطره‌های پساصهیونیست در جامعه یهود فرانسوی چقدر ارتجاعی، نژادپرستانه و سلطه‌جویانه است. آنهامن را باید تاثیر پساسالبنیست‌ها در پاریس درانتدای دهه ۱۹۵۰ یا حتی تاثیر مک کارتیسم در امریکا و در همان دوره می‌اندازند.

■ **می‌خواهم درباره استفاده‌تان از نظریات آنتونیو گرامشی صحبت کنید.**

از نظریات گرامشی استفاده کردم تا مفهوم روشنفکر را بپذیرم؟ کنشگری به خصوص در فرانسه اجتماعی اما آنجا از گرامشی کم‌کم گرم‌کم که نقش روشنفکر از رابطه با پرولتاریا (طبقه کارگر) تعریف می‌کند. گرامشی نقش روشنفکر را در رابطه با بورژوازی تعریف می‌کند؛ بعدنقش روشنفکر را در رابطه‌ابر پرولتاریا یا روشنفکرهایی که به پرولتاریا می‌پیوندند، مقایسه می‌کند. نمی‌توانم این نظریه را قبول کنم چون رابطه قدرتمند و روشنفکرها و پرولتاریا را دولت تعیین می‌کند و دولت عرصه‌ای است که در دیگر سرزمین‌ها هم ما شاهد تکرارش هستیم. تبعید از پر سوال می‌برد و نه سب کل یهودیان امروز را است. موضوع منظورم هستید؟

■ **بله متوجه هستم. اما باید تفاوتی میان این روشنفکرانی که برای دولت کار می‌کنند و روشنفکرانی که خودشان را مستقلا به جنبش طبقه کارگر وصل می‌کنند، قائل باشیم.**

بله‌اما حتی آن روشنفکرانی که خودشان را به جنبش طبقه کارگر وصل می‌کنند، در کل گروه‌ها می‌کنند. در اینجا دو گراسی‌های غرب، به نوعی به دولت وابسته هستند. این گفته صحیح است. شلوه‌زند در صورتی که او را نمی‌شناسید، رابطه‌ای با دولت صهیونیسم دارد!

■ **منظورتان کارفرما یتان، دانشگاه اسرائیلی است که با سرمایه دولتی اداره می‌شود؟**

بله و این گفته درست است که روشنفکران جامعه بورژوا یا به دولت وابسته هستند یا به سرمایه‌داران.

■ **نه همیشه این موضوع مصداق ندارد.**

قبول است، بیایید نگاهی به روشنفکرانی کنیم که به سندیکاها، احزاب‌های سوسیالیستی وابسته‌اند. تعداد آنها خیلی زیاد نیست اما این دست روشنفکران خیال می‌کنند قلدرت سیاسی به دست بیاورند، «شاهزاده» اصلی دولت می‌شوند. به آنچه در اکتبر ۱۹۱۷ برای بلشویک‌ها افتاد، بنگرید. این یک بدنه و روشنفکری است. بلشویک‌ها، یک بدنه و روشنفکری بودند.

■ **در این مورد اختلافی اساسی دارم. بگذارید این مساله را بشکافیم و به نتیجه برسیم. اول از همه تحت سلطه سرمایه‌داری هم و روشنفکرانی مستقل می‌توانند وجود داشته باشند. ایلان پاپه، که حالا در اسرائیل را ترک کرده است، می‌تواند روشنفکری مستقل بشود که به جنبش فلسطینی متصل است. بر توان پرشت و الترنیمانین پیش از اینکه هیتلر به قدرت برسد، روشنفکرانی مستقل بودند که به جنبش طبقه کارگر در آلمان وابسته بودند.**

بله‌اما این حال هم‌ارا قابلیت انعطاف دارد. بله، حتی در مورد مثالی که من زدم، واقعیت اینکه نمی‌توانند من را از دانشگاه تل‌آویو اخراج کنند، به من استقلال می‌دهد. در جامعه لیبرال دموکراسی، حتی با وجودی که دولت‌ها وابسته هستند، خودمختاری نسبی‌ای برای برخی روشنفکرها وجود دارد.

■ **نه، به هیچ‌وجه این اختلاف نظرمان است.**

بله به نوعی من نمیه سوزی هستم. از تئوری‌های زرژ سورل دفاع می‌کنم، با وجود این که تاریک‌اندیش هستم.

■ البته این بخشی از نظریه اوست. این موضع مدعی است پیش از قرن اول میلادی یهودیان به صورت خودخواسته در دیگر سرزمین‌ها ساکن شدند. تنها چیزی که پرولتاریا را دولت تعیین می‌کند و دولت عرصه‌ای است که پرولتاریا می‌تواند بر آن سلطه داشته باشد. کارخانه تبعید را زیر سوال می‌برد و نه سب کل یهودیان امروز را.

پیشنهاد کتاب برای نوروز

رمزگشایی از معمای امروز بوکا

مرضیه اسدی

رمان «دانشکده» نوشته پابلو د سانتیس بی‌تردید یکی از کتاب‌های اصیل در سنت ادبیات معاصر آرژانتین است. د سانتیس از نویسندگان پرکار است و آثارش به زبان‌های فرانسوی، ایتالیایی، پرتغالی، آلمانی، چینی، ژاپنی، کرهای، رومانیایی، چکی، یونانی، هلندی و روسی ترجمه شده و برای بسیاری از نوشته‌هایش جوایز معتبری دریافت کرده است. او معتقد است رمان آلودی ادبیات ارتباط تنگاتنگی دارند. تعریف کردن داستان، مثل تعریف کردن یک راز است. «در راز آلودی حکمت پنهانی است که فقط به راز آگاهان تعلق دارد. هر داستانی نوعی رازگشایی است. راز اگاه خواننده کتاب است که در پایان راز را می‌شناسد.»

داستان «دانشکده» از زبان استیان میرو روایت می‌شود. در حقیقت او قاتل ته، بازمانده‌ای است که به محل وقوع جنایت بازگشته تا بار دیگر خود را در عمارت قدیمی دانشکده، در آن فضای وحشت‌زا، سرد و خاک‌آلود، میان کپه کتاب‌های فراموش‌شده، اسناد و دفاتر محاسبات قرار دهد و شروع به نوشتن خاطراتی کند که در این مکان بر او گذشته است. ماجرا از این قرار است: امیرو بروکا نویسنده‌ای است که نه کسی او را دیده و نه کتابی از او در دست است! در طول داستان، دکتر کانده، نوورایو و سلوا گراناودس در حال رقابت برای پیدا کردن نوشته‌های بروکا هستند و در این مسیر به هر عملی متوسل می‌شوند؛ خیانت، سرقت و حتی قتل. در این میان، استیان میرو که به تازگی تولد سی سالگی‌اش را پشت سر گذاشته، اولین شغل خود را در کتابخانه عمارت قدیمی دانشکده آغاز می‌کند. در حالی که روحش هم خبر ندارد با این تصمیم ظاهرا ساده و حتی دم‌هنگام وارد ماجرایی پیچیده و خوفناک می‌شود.

میرو برای پروفسور گانده کار می‌کند و به مرور متوجه می‌شود او تمام عمرش را صرف یافتن نوشته‌های بروکا کرده است. میرو در حین انجام وظایف کسل‌کننده‌اش در کتابخانه، به اطلاعاتی درباره بروکا دست پیدا می‌کند و گنجکاوی می‌شود بداند او کیست؟ چرا جمع‌آوری نوشته‌هایش این قدر مهم است؟ اصلا او واقعا وجود دارد یا زاییده خیال پروفسور و رقبایش است؟ اینها سوالات ما نیز هست. به ما همراه میرو گاه به جواب می‌رسیم؛ جواب‌هایی نه چندان معتبر و قاطع. همین عدم قطعیت است که ما را از پایان داستان می‌کشاند و در نهایت همه چیز برای ما‌ان روشن می‌شود.

رمان «دانشکده» با ترجمه بیوک بوذاغی از سوی نشر آگه به بازار کتاب عرضه شده است.

همه کاره و هیچ کاره

مریم الماسی

«هفته چهل و چند» کتابی است شامل بیست روایت از مادری کردن در همین روزها. این کتاب در حوزه داستان‌های کوتاه و بلند از کتاب‌های مجموعه «روایت تجربه» نشر اطراف است که در آنها افراد به روایت تجربه‌های زیسته‌شان می‌پردازند. در کتاب «هفته چهل و چند» با دادداشت مادرهای به روزی را می‌خوانیم که نویسنده، روزنامه‌نگار، مترجم، پوارستار، معلم یا مادر تماموقت هستند. روانشناسی، جامعه‌شناسی، فیزیک، الکترونیک، تئاتر، گرافیک، روزنامه‌نگاری یا ادبیات خوانده‌اند و در ایران، کانادا یا آلمان مشغول بزرگ کردن بچه‌های خردسال‌شان هستند. روایتگران این کتاب به ترتیب حروف الفبا عبارتند از: آصفه احمدپور، فاطمه ابوترابیان، امیلی امرایی، زینب بحرینی، شهلا بهادری، فاطمه جنات‌ابیاتی، نیلوفر حاتمی‌کیا، فاطمه حجوانی، رضوان خرمیان، فاطمه سنود، سوده شبیری، فاطمه صالحی، نرگس عزیزی، مریم قدری، زهرا کاردانی، ضحی کاظمی، نورالهدی ماه‌پری، منصوره مصطفی‌زاده، نسیمه میرباقر و مرجان هاشمی. قهم زنانی که یکی‌شان همه سال‌هایش را از گوگل می‌پرسد، یکی بچه‌هایش را بغل دوست ایمنستاگرامی‌اش می‌برد، یکی از معایب خرید اینترنتی می‌نالد، یکی نوتاق ورود فرزند دلبندش به فضای مجازی است و دیگری نمی‌داند سوءظن‌های مزبور برای نجات کوچکش انگلیسی هم یاد بدهد یا نه، همگی خاندنی‌اند و همراه شدن با هر یک لطف خاص خود را دارد. دبیر این مجموعه فاطمه سنوده است و نشر اطراف آن را در سال ۱۳۹۷ با تیراژ هزار نسخه چاپ کرده است. کتاب ۲۷۸ صفحه‌ای تا امروز به چاپ سوم رسیده و قیمت آن ۲۹۵۰۰ تومان است. در یادداشت کتاب آمده است: «تمام این سال‌ها نوشتم، خواندم و ترجمه کردم اما در وقتی می‌پرسند «سر کار می‌روی یا خانه‌داری؟» نمی‌دانم چه جوابی بدهم.» شاید خواندن این کتاب به ما کمک کند تا کمتر با پرسیدن این سوال‌های بی‌جا مادران قدر بیست‌وپکم را حرص بدهیم و قدری بیشتر قدردان‌شان باشیم.

سرگردان میان دو زندگی

هدی حق‌شناس

اوایل امسال، هنگامی که تصمیم به خواندن کتاب «لینکلن در برزخ»، برنده جایزه من بوکر سال ۲۰۱۷ را گرفتم، بیش از هرچیز عنوانش برایم جذاب بود. «بارد» در این بودایی تبتی‌ها مکانی است که در آن روح پس از مرگ به انتظار نوبد مجدد می‌ماند؛ در واقع حالتی بین دو زندگی است که در ترجمه فارسی با عنوان برزخ آمده است. نکته جذاب بعدی در عنوان کتاب، حضور نام ابراهام لینکلن، رییس‌جمهور مشهور امریکاست که با هدایت جنگ‌های داخلی، فرمان لغو برده‌داری را صادر کرد و اتفاقا داستان از همین سال‌ها شروع می‌شود. در بحبوحه جنگ و ضیافتی که ابراهام لینکلن و همسرش در کاخ سفید میزبانش هستند، پسر دوازده ساله لینکلن، ویلی، دچار تب تیفوییدمی‌شود و در نهایت می‌میرد. مرگ ویلی، لینکلن را دچار یأس و اندوهی عمیق می‌کند.

در روایت روزنامه‌های محلی آمده است که لینکلن بعد از مرگ ویلی، شبانه به تنهایی بر سر مزار او سوگواری می‌کرده است.

همین عزاداری مخفیانه لینکلن دستمایه‌ای شده است تا جورج ساندرز اولین رمانش را بنویسد. نحوه روایت ساندرز در این کتاب عجیب و خلاقانه است. کتاب ده‌ها راوی دارد که تعدادی از آنها شخصیت‌های واقعی تاریخ هستند و بقیه زاییده ذهن نویسنده. چند خط یک بار راوی تغییر می‌کند و گاهی حرف یکی، صحبت دیگری را نقض می‌کند. هرچند در ابتدا این نحوه روایت می‌تواند خواننده را حسابی گیج کند اما در نهایت سه راوی از بقیه متمایز می‌شوند. این سه راوی که در باردو (برزخ) به سر می‌برند، می‌دانند که ویلی به خاطر سن کمش باید زود از این برزخ خلاص شود و در غیر این صورت، سرنوشت شومی در انتظارش خواهد بود. اما دیدارهای مکرر ابراهام لینکلن از مزار پسرک باعث می‌شود ویلی دل از این عالم نکند و آخرین رسمان اتصال خود به پدرش را نبُرد. تمام مدتی که داستان را می‌خوانیم به این سوال فکر می‌کردم که چرا ابراهام لینکلن و پسرش برای قرار گرفتن در این موقعیت انتخاب شده‌اند؟ در واقع چرا «لینکلن در برزخ»؟ سوالی که ساندرز با مهارت به آن پاسخ می‌دهد. او یک پایان قوی و شگوهمند برای کتابش می‌آفریند و به قصه‌ای که ابتدا فقط درباره مرگ و عالم بعد از آن است، مفهومی متفاوت و خاص می‌بخشد. قلم ساندرز این قابلیت را دارد که داستان اندوه شخصی یک پدر را تبدیل به موضوع ملی کند و آنچنان خواننده‌اش را متاثر کند که انگار او در طول داستان در بارددوی ساندرز زندگی کرده است. «لینکلن در برزخ» با ترجمه رعنا موقعی و از سوی نشر ستاک روانه بازار کتاب شده است. قیمت این کتاب ۴۳۳ صفحه‌ای ۳۹ هزار تومان است.

آدمیت و خروج از توهم تاریخی

حسین قره

اگر خسته شده باشید از آن چاپلوسی‌ها، مدح و دعاگویی‌های بی‌ربط و تکراری از چیزی که نبوده‌اید، گوناگون که در آنها مردک مستبد و متوهم کوتوله‌ای را که پیشوای قبیله خود هم نیست، قبله عالم خطاب کرده‌اند؛ اگر تارهای ویرانشده تاریخ را لابه‌لای آن همه خونریزی و قساوت و بسیاری مواقع حماقت و بدترنت ذکاوت و حکمرانی خوب، برای کشف یک نکته کافی‌ست دقیقا چیزی که خواسته‌اید، بی‌کم‌وکاو رساله دکترای فریدون آدمیت را که اصال با نام «روابط دیپلماتیک ایران با انگلستان، عثمانی و روسیه ۱۸۳۰-۱۸۱۵» از سوی نشر گستره به ترجمه علیرضا بلاسیمو منتشر شد، کتابی خواهید یافت که با شواهد قریب به واقعیت کمک می‌کند به شدت اندکی از واقعیت برسید، واقعیتی که به درد دوره بلوغ ما می‌خورد. واقعیتی که مانع گرازمسازی‌های خودپرز بینانه ملی و گاه ایدئولوژیک و در میانه دعواهای سیاسی و گاه نژادهای بین‌المللی می‌شود.

ساختار این پژوهش بر اساس رسمت و خوانش نامه‌ها، خاطرات، یادداشت‌ها، توافق‌نامه و حرکت نقشی طرفین درگیر (ایران، روسیه، عثمانی و انگلیس) است. به گواه کتاب در حدود سال ۱۸۰۰ و همزمان با قدرت گرفتن قاجاریه در آن آشوب و هرج‌ومرج و بی‌سامانی، گسی از دیپلماسی و سیاست خارجی به مفهوم مدرن آن چیزی نمی‌داند و در ذام تعارض مدرن دول قدرتمند زمان درمی‌ماند. برای دفع تزاع به بنایارت دلخوش می‌کند و در اتحاد آنها به لردهای انگلیسی دل می‌سپارد. وقت تخاصم تزاع به دنبال آن است تا برادران «پاشا